

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

تیمورشاه تیموری

یادی از کابل

این ترجیع بند در سه قسمت تقدیم میگردد:

(قسمت سوم)

آمد بهار و موج گل از هر طرف دمید
خوشنود مردمان ز خوشی نعره میزدند
اما به فور یأس بر امید چیره شد
دیو نفاق چو ابر سیه سایه برفگند
مردان عالم متبحر به روزگار
زین رو عذاب دیده مسلمان داغدار
در هر کنار و کنج جهان تا که بنگری
افغان با کمرکتر و با عزت و وقار
تاراج گشت شهر و بسی خانه ها بسوخت
آن شهر باوقار و نگین پرافتخار
مرکوب خسروانه ز مشرق سر رسید
که ایام درد و رنج و الم گشت ناپدید
یاران پر امید همه گشت نا امید
از هر طرف صدای من و تو بشد پدید
شمشیر برکشیده برادر کنند شهید
آواره هر طرف شد و هر سوی سرکشید
افغان بی پناه به هر کوی و در رسید
در ملک این و آن به روالی بیارمید
زین مردم بلاکشیده بدتر کسی ندید
مجروح و پرشکسته بخاک و بخون تپید

ای کابل عزیز ز جان دوست دارم

ای مهد آریان به خدایا میسپارم

کابل بگو برای چه بی پا و سر شدی؟
کانون علم بودی و عـرفان نمود تو
چون گوهـری بُدی تو در قلب آسیا
با عـز و اعتبار بودی داشتی وقار
گویند کوکنار بکشتی ز حد فـزون
اولاد دوستدار و فـادار صادق
موزیـم تو بود یکی گنج بی بها
نی باغ و بوستان بدیـار تو نی بهار
الحاصل آنچه بودی تو امروز نیستی
خاکم بسر ز بهر چه؟ خاکت بسر شدی
اکنون چرا؟ بی معرفت و بی هنر شدی
حالا دگر ز هر صدفی بدتر شدی
بی عز و اعتبار و بی شان و فر شدی
در کشت کـوکنار بسی نامور شدی
در شهر و هر دیار به عزم سفر شدی
آثار باستان عرضه به بازار زر شدی
پژمرده و نحیف چو یک مشت پر شدی
در دست این و آن به زیر و زیر شدی

ای کابل عزیز ز جان دوست دارم

ای مهد آریان به خـدا میسپارم

(المان - ۳۰ اگست ۲۰۱۱)